

موضوع: نقد و بررسی کتاب نه‌ایة الحکمة

استاد: حضرت آیت الله سیّدان

مورخ: ۱۳۹۹/۱۰/۲۴

جلسه: سی ام



بسم الله الرحمن الرحيم

«ويتفرع عليه أمور الأول أن الوعاء الذي يتحقق فيه الوجود الرابط هو الوعاء الذي يتحقق فيه وجود طرفيه سواء كان الوعاء المذكور هو الخارج أو الذهن.»<sup>۱</sup>

❖ مقدمه:

در فصل اول از مرحله دوم کتاب، به فروع بحث وجود رابط رسیدیم. بعد از تقسیم وجود به مستقل و رابط، فروع این بحث را بیان می‌کنند.

❖ فرع اول: ظرف تحقق نسبت، ظرف تحقق طرفینش است

ظرفی که وجود رابط در آن تحقق پیدا می‌کند، همان ظرفی است که طرفین آن در آن تحقق می‌یابند، چه آن ظرف خارج باشد و چه ذهنی باشد؛ زیرا طبیعت وجود رابط این است که در وجود طرفین خود باشد.

پس وعاء و ظرف وجود رابط بستگی دارد به وعاء و ظرف وجود طرفین، مثلاً اگر قضیه کلی باشد که وعاء و ظرفش ذهن است، وجود رابط هم در ظرف ذهن خواهد بود و اگر جزئی باشد، وجود رابط هم مثل وجود طرفین در ظرف خارج خواهد بود.

---

۱. نه‌ایة الحکمة ص ۲۹ الفصل الاول فی انقسام الوجود إلى المستقل والرابط.

وذلك لما في طباع الوجود الرابط من كونه غير خارج من وجود طرفيه فوعاء وجود كل منهما هو بعينه وعاء وجوده فالنسبة الخارجية إنما تتحقق بين طرفين خارجيين والنسبة الذهنية إنما بين طرفين ذهنيين والضابط أن وجود الطرفين مسانخ لوجود النسبة الدائرة بينهما و بالعكس.<sup>٢</sup>

از آن جایی که طبیعت وجود رابط این است که در جود طرفین محقق می شود و وابسته به وجود طرفین است، لذا ظرف آن نیز بستگی به ظرف طرفینش دارد. مثلاً در فارسی، کلمه «است» که نسبت بین دو طرف قضیه است، اولاً وجود مستقلی ندارد و ثانیاً اگر موضوع و محمول در خارج باشند ظرف این «است» هم خارج خواهد بود.

پس وعاء دو طرف قضیه، عیناً همان ظرف وجود رابط و نسبت قضیه است. در نتیجه باید گفت وجود دو طرف نسبت، هم سنخ با وجود نسبتی است که آن نسبت قائم به آن دو طرف است، و همین طور بالعکس، یعنی وجود نسبت نیز، مسانخ با وجود طرفینش می باشد، البته این سنخیت فقط از جهت خارجی و یا ذهنی بودن ظرف وجودشان است و اگر نه در خود وجود، سنخیتی نیست؛ چون وجود طرفین برخلاف وجود رابط، مستقل می باشد.

### ❖ فرع دوم: لزوم اتحاد بین طرفین وجود رابط

الثانی أن تحقق الوجود الرابط بین طرفین یوجب نحواً من الاتحاد الوجودی بینهما وذلك لما أنه متحقق فیهما غیر متمیز الذات منهما ولا خارج منهما فوحدته الشخصية تقضی بنحو من الاتحاد بینهما سواء كان هناك حمل كما فی القضايا أو لم یکن کغیرها من المركبات فجميع هذه الموارد لا یخلو من ضرب من الاتحاد.<sup>٣</sup>

همیشه اتحادی میان وجود دو طرف رابط برقرار است؛ زیرا یک چیز نمی تواند در دو چیزی که کاملاً از هم جدا هستند و هیچ نوع اتحادی با هم ندارند، تحقق یابد، و فرقی هم نمی کند که حملی در کار باشد مانند قضایا یا حملی در کنار نباشد مانند مرکباتی که قضیه نیستند.

٢. نهاية الحکمة ص ٢٩ الفصل الاول فی انقسام الوجود إلى المستقل والرابط.

٣. نهاية الحکمة ص ٢٩ الفصل الاول فی انقسام الوجود إلى المستقل والرابط.

در دو طرف قضیه‌ای که نسبتی بین آن قضیه برقرار است، چه موضوع و محمول باشند و چه مضاف و مضافٌ إليه باشند - و قضیه حملیه نباشد - به دلیل همین نسبت و وجودِ رابطی که بینشان هست، قطعاً اتحادی با هم دارند، چون این وجودِ رابط، وجودی بود که وجودش وابسته به وجود طرفین است و وجودش در وجودِ طرفین تحقق می‌یابد، و وقتی این چنین است باید طرفین یک نحو اتحادی باهم داشته باشند، تا این وجودِ رابط، در هر دو و وابسته به هر دو باشد؛ زیرا این وجودِ رابط خارج از آن دو نیست و این یعنی یک نحوه اتحادی بین آن دو وجود دارد.

نکته: چون این مسائل محل بحث ما نیست، تقریر می‌کنیم و می‌گذریم و به مناقشات نمی‌پردازیم و إلاً در همین مطالب هم مناقشاتی وجود دارد که ما برای رسیدن به مطالب مهمتر و بیان مناقشات آنها از اینها صرف نظر می‌کنیم.

#### ❖ فرع سوم: در حمل های اولی و هلیات بسیطه رابط وجود ندارد.

الثالث أن القضايا المشتملة على الحمل الأولى كقولنا الإنسان إنسان لا رابط فيها إلا بحسب الاعتبار الذهني فقط وكذا الهليات البسيطة كقولنا الإنسان موجود إذ لا معنى لتحقق النسبة الرابطة بين الشيء ونفسه.<sup>٤</sup>

در قضایایی که اتحاد مفهومی موضوع و محمول را بیان می‌کند، یعنی حمل اولی هستند، مانند قضیه: «انسان انسان است.» و همین طور در هلیات بسیطه که بیانگر اصل وجود و تحقق شیء هستند. مثل «انسان موجود است.»، رابط و نسبتی وجود ندارد؛ چون موضوع و محمول این قضایا یک چیز هستند، و معنی ندارد که میان شیء و خودش نسبتی برقرار کنیم. زیرا رابط وقتی معنی پیدا می‌کند که دو چیز مطرح باشد و بخواهیم بین آن دو ربط و نحوه اتحادی ایجاد کنیم، مگر به نوعی از اعتبار ذهنی که این عبارت «إلا بحسب الاعتبار الذهني» به همین مطلب اشاره دارد، یعنی ذهن برای محمول که عین موضوع است، یک نوع وجودی لحاظ کند که غیر از

٤. نهاية الحكمة ص ٢٩ الفصل الاول في انقسام الوجود إلى المستقل والرابط.

وجود موضوع باشد، و بعد محمول را بر موضوع حمل کند و لذا رابط معنی داشته باشد، و إلاً رابطی در کار نخواهد بود.

#### ❖ فرع چهارم: وجود رابط قائم به عدم نمی‌شود.

الرابع أن العدم لا يتحقق منه رابط إذ لا شيء له ولا تميز فيه ولازمه أن القضايا الموجبة التي أحد طرفيها أو كلاهما العدم كقولنا زيد معدوم وشريك الباري معدوم لا عدم رابطاً فيها إذ لا معنى لقيام عدم بعدمين أو بوجود و عدم ولا شيء له ولا تميز اللهم إلا بحسب الاعتبار الذهني ونظيرتها القضايا السالبة كقولنا ليس الإنسان بحجر فلا عدم رابطاً فيها إلا بحسب الاعتبار الذهني.<sup>5</sup>

هنگامی که قضیه از دو طرف معدوم و یا یک طرف موجود و یک طرف معدوم تشکیل شده باشد، وجود رابط معنایی ندارد؛ زیرا چیزی که معدوم است، رابط داشتن برایش مفهومی نخواهد داشت. مثلاً در قضیه «زید معدوم» یا «شريك الباري معدوم» که یک یا هر دو طرف قضیه معدوم هستند، اصلاً نسبت و ربطی در کار نیست، پس وجود رابط نیز معنایی نخواهد داشت؛ زیرا لازمه اینکه بگوییم رابط در این طور قضایا وجود دارد، این است که عدمی را قائم به دو عدم یا یک عدم و یک وجود، فرض کنیم، درحالیکه گفتیم عدم هیچ شیئیت و تمیزی ندارد که بخواند قائم به چیزی باشد یا قیام چیزی به او باشد.

البته همان طور که گذشت ذهن می‌تواند برای عدم یک نوع شیئیت و ثبوتی اعتبار کند و بعد یک رابط میانشان فرض کند، لذا مولف استثناء می‌کنند و می‌فرمایند که مگر به حسب اعتبار ذهنی.

در قضایای سالبه مانند: «انسان سنگ نیست»، مطلب به همین شکل است؛ یعنی رابط در کار نیست، زیرا اصلاً حملی نیست، بلکه سلب است و ربط و نسبت در سلب معنایی ندارد. به عبارت دیگر، در قضایای سالبه، سلبُ الرابط مطرح است نه الرابط السلبی، و عدم الرابط است نه العدم الرابط، باز مگر بر حسب اعتبار ذهنی که صرف اعتبار است.

5. نهاية الحكمة ص 29 الفصل الاول في انقسام الوجود إلى المستقل والرابط.

## ❖ فرع پنجم: وجود رابط ماهیت ندارد.

الخامس أن الوجودات الرابطة لا ماهية لها لأن الماهيات هي المقولة في جواب ما هو فهي مستقلة بالمفهومية والوجودات الرابطة لا مفهوم لها مستقلاً بالمفهومية.<sup>٦</sup>

وجودهای رابط ماهیت ندارند؛ زیرا ماهیات مفاهیمی هستند که در پاسخ از چیستی اشیاء بیان می‌شوند، و رابط مفهومی که مستقلاً ادراک شود ندارد.

به دیگر سخن رابط ماهیت ندارد، چون ماهیت در ارتباط با مفاهیم مستقل مطرح می‌شود، و رابط مفهوم مستقل ندارد. در نتیجه چون ماهیت مفهوم مستقلی دارد، پس رابطی که مفهوم مستقل ندارد، ماهیت نخواهد داشت.

## ❖ خلاصه:

به فروع بحث وجود رابط رسیدیم.

فرع اول این است که ظرف تحقق نسبت، ظرف تحقق طرفینش است، زیرا طبیعت وجود رابط، این است که در وجود دوطرف خود باشد، لذا ظرف آن نیز بستگی به ظرف طرفینش دارد.

فرع دوم این است که اتحاد بین طرفین وجود رابط، لازم است، زیرا یک چیز نمی‌تواند در دو چیزی که کاملاً از هم جدا هستند و هیچ نوع اتحادی با هم ندارند، تحقق یابد.

فرع سوم این است که در حمل‌های اولی و هلیات بسیطه رابط وجود ندارد، چون موضوع و محمول در این قضایا یک چیز هستند، و معنی ندارد که میان شیء و خودش نسبتی برقرار کنیم.

فرع چهارم این است که وجود رابط، قائم به عدم نمی‌شود، زیرا هنگامی که قضیه از دو طرف معدوم و یا یک طرف موجود و یک طرف معدوم تشکیل شده باشد، وجود رابط معنایی ندارد، زیرا لازمه اینکه بگوییم رابط در این طور قضایا وجود دارد، این است که عدمی را قائم به یک عدم کنیم، درحالی‌که همان طور که گفتیم عدم هیچ شیئی نیستی ندارد، که بخواهد قائم به چیزی باشد یا قیام چیزی به او باشد.

٦. نهاية الحكمة ص ٢٩ الفصل الاول في انقسام الوجود إلى المستقل والرابط.

فرع پنجم این است که وجودِ رابط، ماهیت ندارد، چون ماهیت در ارتباط با مفاهیم مستقل مطرح می‌شود، و رابط مفهوم مستقل ندارد.

✍ کارگروه تهیه و تدوین مدرسه علوم دینی

حضرت ولیّ عصر(عج)